نفی اشتراک افق و اکتفاء به رؤیت بلد بعیده، مفاد روایت یقطینی

(4:26)

من بقیه عبارات را نمی خوانم، خودتان مراجعه کنید. آن چه که عرض من بود جمع بین این حدیث با استظهاری بود که عرض کردیم. استظهار ما از این حدیث روشن بود؛ احتمال اینکه ابن راشد و امام علیه‌السلام در اینجا باید قضا کنند، چون اول ماه بوده و هلال بوده، ولی فعلاً ساکت هستند؛ و خودشان می‌دانستند. عرض کردم که این احتمال در ذهن من طلبه، صفر است. اصلاً نمی‌شود، اوضاع این روایت این نیست که شما بگویید اینجا صحبت می‌کنند که شما به وظیفه عمل کرده‌اید. حال باید قضا کنید، آن جای خودش است. جور در نمی‌آید.

بنابراین ظاهر این روایت این شد که در بغداد و مدینه پنج شنبه اول ماه بوده است. ولو هلال در شب پنج شنبه بسیار بلند بوده. چهارشنبه اول ماه نبوده است. خب امام علیه‌السلام در روایت یقطینی چه فرمودند؟ گفت: حُساب می‌گویند درست است که در بغداد که هوا صاف است ما ندیدیم، اما همین امشب در غرب بغداد، در افریقا و آندلس و مغرب می‌بینند. آنها اهل فن هستند و می‌گویند هنوز در بغداد از تحت‌الشعاع بیرون نیامده است. دو-ساعت دیگر که غروب آن جا است، از تحت‌الشعاع بیرون می‌آید و آن را می‌بینند. برای حضرت نامه نوشت. اگر مبنای تفاوت افقها بود، خیلی روشن بود؛ امام علیه‌السلام می‌فرمودند خب آن جا ببینند، چه ربطی به شما دارد؟! شما در بغداد هستید، آن را ندیدید، هنوز هم هلال ندا‌شتید. حُساب هم که می‌گویند هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده، برای خودشان می‌گویند. علیک افقک، علیک مشرقک. باید این جور جواب می‌دادند. اما امام علیه‌السلام این جور نفرمودند. فرمودند: «لا تصومنّ‌ باالشّكّ، أفطر لرؤيته و صم لرؤيته»[1]؛ با شک جلو نرو.

خب حال اگر در این روایت به یقین رسید، چه؟ خودش الآن در اندلس بود، در اسپانیا بود، در آفریقا بود، خودش با چشم خودش هلال را دید، هواپیما سوار شد و به بغداد آمد. بعداً این روایت را به عرف عام نشان بدهند ای به خود این شخص نشان بدهند، بگویند از امام پرسیده که عده‌ای در اندلس همین امشب می‌بینند، او هم خودش دیده، می‌گویند امام نگفتند آن جا ربطی به بغداد ندارد، بلکه فرمودند با شک روزه نگیر. حال گفته اند، در محاسبات خیلی خطا در می‌آید. عرف عام از این چه می‌فهمد؟! عرض کردم همین استظهار مرحوم آیت‌الله گلپایگانی را دارند و به نظرم تام است. صاحب هیوایات هم بعد از اینکه از فتوایشان عدول کردند همین توضیحات واضح را داده اند. قبلش یک جور دیگر بودند که راوی گفته «هل یمکن اختلاف...»، درحالیکه فضایی که حرف راوی دارد مشکلی ندارد؛ جواب امام علیه‌السلام است که خیلی مهم است که حضرت در مقابل او می‌گویند با شک روزه نگیر. فعلاً روی این استظهار جلو می‌رویم. فعلاً کاری با علمائی که این استظهار را قبول ندارند ندارید. ما علی المبناء جلو می‌رویم. روی این مبناء که روایت یقطینی می‌گوید اگر یقین پیدا کردی، اول ماه داخل شده است. نه روی مبنای حاج آقا که از کتاب الصوم ایشان خواندیم.

روی این مبانی که عرض کردم که روایت ابن راشد هم یعنی پنج شنبه اول ماه بوده است و شب چهارشنبه فایده‌ای نداشته است. حالا روی این مبنا جلو می‌رویم.

شاگرد: منشأ شک در «لاتصومنّ‌الشک»، شک در حساب حُساب نبوده است. شاید منشأ شک این باشد که برای آن‌ها شده ولی برای ما نشده است. بعد حضرت فرمودند «لاتصومنّ‌الشک».

استاد: بله یعنی اصلاً مبنای روایت این است که بلد ما با بلد آن‌ها تفاوت می‌کند اگر واقعیت باشد. ما نمی‌دانیم که آیا رؤیت آن‌ها طبق حساب برای ما کافی هست به اندازه‌ای که بتوانیم ببینیم. خب اگر آن جا دید، طبق فرمایش شما باز هم «لاتصومنّ‌الشک» شاملش است. یعنی کسی با هواپیما در اندلس بود، خودش دید، باز حضرت می‌فرمایند «لاصومن الشک»! «لاتصومن الشک» یعنی هنوز شک داری.

شاگرد۲: سؤال را یک مرتبه دیگر تقریر بفرمایید.

استاد: ایشان می‌فرمایند «لاتصومنّ‌الشک» نه یعنی شک در محاسبه حُساب؛ اینکه با محاسبه می‌بینیم یا نه. قطع داریم که آن‌ها می‌بینند. اما آیا رؤیت آن‌ها طوری بوده که در بغداد هم می‌توانستیم ببینیم یا نه؟ اگر حُساب که می‌گویند آن جا می‌بینند، اینجا هم می‌توان دید، بسیار خب. دیگر مشکلی نداریم. قطع پیدا می‌کنیم. یعنی در بغداد هم ما می‌توانستیم ببینیم. این یقین می‌شود.

شاگرد: این خلاف ظاهر روایت است

شاگرد۲: یا اگر آن جا دیدند، دیدن آن‌ها برای ما کفایت می‌کند یا نه.

استاد: خود شخص دید.

شاگرد۲: اگر خودش دیده آیا دیدن او برای کسانی که در شهر دیگر هستند حجت دارد یا نه؟ خود این منشأ شک است.

استاد: یعنی امام علیه‌السلام شبهه حکمیه را جواب نمی‌دهند؟

شاگرد: خبر قطعی برسد که آن جا دیدند. مثلاً با تلگراف بگویند که آن جا دیدند، ایشان می‌گویند شک این است که آیا برای ما هم ماه ثابت است؟ یعنی خود اختلاف افق، محل شک است.

استاد: اگر اختلاف افق مانع است و اشتراک افق اشتراط دارد، شکی نداریم.

شاگرد: شکش در همین است که آیا اختلاف افق شرط هست یا نیست؟ این موجب شک است.

استاد: سؤال راوی از شبهه حکمیه است و امام هم باید جوابش را بدهند. نه اینکه در شک برگزارکنند. امام بگویند شک داریم؟!

شاگرد۲: فرضی که شما فرمودید امکان تحقق در آن زمان را نداشته است. لذا اطلاق آن شامل این حالت نمی‌شود. شخص که نمی‌توانست برود و بیاید. نسبت به کسی که اینجا است و بخواهد برود و بیاید نصف ماه گذشته است.

استاد: ذیل فرمایش شما دو-سه نکته هست. اول اینکه راوی تصریح می‌کند؛ نمی‌گوید هوا مغبرّ بود. تصریح می‌کند که هوا صاف بود و ندیدیم. تصریحات روایت مهم است. تصریح می‌کند که هوا

صاف بود و ندیدیم. بعد نمی‌گوید حُساب می‌گویند شاید در بغداد ببینیم. حُساب اهل ریاضیات و دقت هستند، می‌گوید اتفاقا برعکس است؛ حُساب می‌گویند در بغداد نمی‌توانید ببینید. تأیید این است که ندیدید. اینها خیلی مهم است. یعنی همه اینها را باید در نظر بگیرید. می‌گوید حُساب هم می‌گویند که درست است که شما ندیدید، نمی‌توانید هم ببینید، اما چند ساعت بعد در افریقا و اینها می‌بینند.

اما اینکه کسی نمی توانسته برود؛ یک جلسه راجع به اسباهای پست چی صحبت کردیم. این جور نبوده که بگوییم پانزده روز، دو هفته باید طول بکشد. شواهدی بود؛ شاید هزار و دویست کیلومتر، هزار و پانصد کیلومتر را با یک شبانه‌روز می‌رفتند. اصلاً شواهدی دارد. حتی از سیر بطیء؛ نه متوسط شاهد آوردیم. چون زهیر به حضرت رسید. امام علیه‌السلام هشتم ذی الحجة در سوم الترویه بیرون آمدند، زهیر حج را انجام داد، امام علیه‌السلام سواش می‌رفتند، او متوسط می‌رفت. لذا زبیر به حضرت رسید. مدام تحرز می‌کند که نزدیک کاروان حضرت نیاید، تا یک جا مجبور شد. آب نبود، لذا نزدیکی های خیام امام علیه‌السلام خیمه زد و امام علیه‌السلام هم به دنبالش فرستادند. قضیه معروف زهیر است.

شاگرد: یعنی چقدر راه آمد؟

استاد: امام علیه‌السلام بیست و دو روز. حدود هزار و خرده ای کیلومتر می‌شود. خیلی راه می‌شود. ولی اینها جزء واضحات است. دوم محرم وارد کربلا شدند. قبلش هم حر آمد و مدتی معطلی بود.

شاگرد۲: این در مانحن فیه کاربرد ندارد، چون حالا چند ساعت بعد به اندلس برسد.

استاد: نه، در اندلس هست. هلال را می‌بینند. با همان سرعتی که دارد به بغداد می‌آید و می‌گوید من دیدم.

شاگرد: چند ساعت طول می کشیده.

استاد: ببینید چند کیلومتر است و با این توضیحاتی که ما دادیم چقدر طول می کشیده. محاسبه کنید.

شاگرد۳: اصلاً سؤال راوی از این نیست که ما در بغداد دیدیم. سؤال این است که هل یجوز ذلک اگر ما ندیدیم و آنها دیدند، و اختلاف امصار بشود در واقع؟

استاد: این بزنگاه کسانی است که روایت را به آن صورت معنا می‌کنند. مدام تکرار می‌کنند که تلقی خود راوی این بود که اختلف الفرض علی اهل الامصار.

شاگرد۳: به حسب رؤیت اختلاف کردند. یعنی وقتی آنها دیدند و ما ندیدیم، باید روزه بگیرند. ما هم که ندیدیم هیچ. حالا اگر خبر آوردند، از روایات دیگر که اهل شهر دیگر شهادت دادند آیا باید قضا بکنم یا نه؟ ولی در این روایت دارد ما که ندیدیم. حُساب می‌گویند که آنها می‌بینند. اگر آنها ببینند آنها باید روزه بگیرند، ما هم که ندیدیم نباید روزه بگیریم. سؤال از این است. آیا جایز است که اختلاف امصار بشود و آنها روزه بگیرند و ما نگیریم؟

شاگرد: «فهل يجوز اي موالي ما قال الحساب» که آن جا اهلال هلال شده باشد، «حتى يختلف الفرض على أهل الأمصار»؛ اگر آن جا اهلال هلال شده باشد و ما ندانستیم، واقعاً فرض ها اختلاف می‌کند.

استاد: سائل که نمی‌خواهد به امام علیه‌السلام مسأله یاد بدهد. سائل با یک چیزی مواجه شده و دارد سؤال می‌کند که چنین چیزی می‌شود یا نمی‌شود؟ آن وقت دارد لازمه آن را می‌گوید، نه مسأله شرعی آن را. علمائی که این روایت را آن جور معنا می‌کنند؛ در کتاب مرحوم آقای تهرانی بود. در مراسله سوم فرمودند من در مراسله اول و دوم این روایت را ندیده بودم. این روایت را مرحوم آسید ابوتراب خوانساری در سبیل الرشاد آورده‌اند، بعد می‌گویند: آقای خوانساری برای مقصد خودشان که عدم لزوم اشتراک افق است استفاده کرده‌اند، بعد ایشان وارد می‌شوند و می‌گویند: برعکس است؛ این روایت ادلّ‌است بر مقصود ما. این را چندبار دیگر عرض کرده بودم. صحبت سر این است که او دارد متفرع می‌کند. تفرع بر یک امر غیر از یاد دادن مسأله به امام است یا غیر از ارتکاز شرعی گفتن است. اتفاقا او دارد خودش سؤال می‌کند. یک حالت تحیر دارد. کسی که حالت تحیر دارد به نحو تفرع بر چیزی که حُساب می‌گوید، ولی سوالش را دارد از امام علیه‌السلام می‌پرسد و امام علیه‌السلام می‌فرمایند «لاتصومن الشک»؛ با شک نگیر. لذا من عرض کردم فعلاً با فرمایش علمائی که آن جور معنا می‌کنند کاری ندارم. می‌خواهیم علی المبنا جمع کنیم.

---

[1] تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان) ج4 ۱۵۹

بازبینی #2
ایجاد شده 8 ژانویه 2026 08:28:52 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 ژانویه 2026 11:01:03 توسط ... .